

بخش اول

آموزش گرامر

1

g

rammar

SAVING NATURE

پایه دهم

درس

اول

بسته

۱

Future Tenses

بسته

۲

اسم

Noun

در جلد دوم می‌خوانید:
بسته ۱ تا ۵ واژگان



FUTURE TENSES

شکل ساده فعل + am / is / are + going to | شکل ساده فعل + 'll + will

زمان‌های آینده

بسته

۱

در این جمله شخص (به خودش) قول می‌دهد در آینده در دانشگاه تهران پزشکی بخواند. پس در این جا هم از will (آینده ساده) استفاده کردیم. مثال:

I will not sell my car. I love it.

ماشینم را نخواهم فروخت. آن را دوست دارم.

این جمله عدم تمایل به انجام کاری را در زمان آینده بیان می‌کند.

وقتی که در مورد آینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودمان پیش‌بینی انجام می‌دهیم. مثال:

I think Real Madrid will win against Barcelona.

فکر می‌کنم رئال مادرید در برابر بارسلونا برنده خواهد شد.

در این جمله هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که یکی از دو تیم برنده بازی خواهد شد، اما گوینده جمله صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودش، پیش‌بینی می‌کند یکی از این دو تیم برنده شود.

برای اشاره به واقعیت‌های مربوط به آینده و کارهایی که فکر می‌کنیم حتماً در آینده اتفاق خواهند افتاد. مثال:

My little brother will be three years old next week.

برادر کوچکم هفته بعد سه ساله خواهد شد.

اگر اتفاق خاصی رخ ندهد، شخص مورد نظر تا یک هفته حتماً سه ساله خواهد شد.

برای انجام درخواست و تقاضا و همین‌طور ارائه پیشنهاد. مثال:

A: Will you open the window, please?

A: ممکن است لطفاً پنجره را باز کنی؟

B: Sure.

B: البته.

همان‌طور که می‌بینید، می‌توان از شکل سؤال‌ی زمان آینده ساده برای انجام درخواست و تقاضا استفاده کرد.

در زبان انگلیسی با روش‌های مختلفی می‌توان در مورد آینده صحبت کرد. اما متداول‌ترین و راحت‌ترین روش برای اشاره به زمان آینده، استفاده از زمان آینده ساده است. در ادامه، کاربردهای اصلی این زمان را به صورت دقیق‌تری بررسی می‌کنیم:

۱ وقتی در مورد کاری صحبت می‌کنیم که قرار است در زمان آینده انجام شود. مثال:

It's three o'clock. She will finish her homework at five.

ساعت سه است. او تکالیفش را در ساعت پنج تمام خواهد کرد.

گوینده جمله فکر می‌کند که انجام کاری در زمان مشخصی از آینده (یعنی ساعت ۵) انجام شود. البته طبیعتاً چون جمله به آینده اشاره دارد، پس این امکان وجود دارد که کار مورد نظر کمی زودتر یا دیرتر هم انجام شود.

۲ برای گرفتن تصمیم لحظه‌ای (یعنی وقتی درجا تصمیم می‌گیریم کاری را انجام دهیم). مثال:

A: I'm really hungry.

A: واقعاً گرسنه هستیم.

B: I'll make you some sandwiches.

B: برایت چند تا ساندویچ درست می‌کنم.

در این جمله، شخص دوم از قبل برنامه‌ای برای درست کردن ساندویچ نداشت. اما وقتی شخص اول گفت که گرسنه است، در همان لحظه تصمیم گرفت برایش ساندویچ درست کند!

۳ وقتی قول می‌دهیم در آینده کاری را انجام دهیم یا می‌خواهیم تمایل یا عدم تمایل خودمان را برای انجام کاری در آینده ابراز کنیم. مثال:

I will study medicine at University of Tehran.

در دانشگاه تهران پزشکی خواهم خواند.

They will spend their holidays in Paris.

آن‌ها تعطیلاتشان را در پاریس خواهند گذراند.

۲ وقتی که در مورد آینده بر مبنای نشانه‌های موجود پیش‌بینی انجام می‌دهیم. مثال:

Look at the blue sky! It's going to be a sunny day.

به آسمان آبی نگاه کن! روزی آفتابی خواهد بود.

چند نکته در مورد be going to

۱ در ساختار be going to، فعل کمکی be با توجه به فاعل جمله صرف می‌شود. یعنی:

I	am	going to	play, go, listen, ...
He She It	is		
We You They	are		

۲ برای منفی کردن be going to، بعد از فعل کمکی be (در این‌جا am، is یا are) از not استفاده می‌کنیم. البته استفاده از شکل‌های مخفف نیز صحیح است. مثال:

I am not going to take the exam – I am not ready yet.

قصدم ندارم امتحان بدهم؛ هنوز آماده نیستم.

۳ برای سؤالی کردن be going to، کافی است فعل کمکی (در این‌جا am، is یا are) را به قبل از فاعل جمله منتقل کنید. مثال:

Are you going to visit your uncle this weekend?

فاعل

آیا قصد دارید این آخر هفته به دیدن عمویتان بروید؟

البته اگر بخواهیم be going to را با کلمات پرسشی (how / why / where / when / whom / who و...) سؤالی کنیم، کلمه پرسشی را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم و فعل کمکی be (در این‌جا am، is یا are) را هم به قبل از فاعل منتقل می‌کنیم. مثال:

A: When are you going to watch the film?

فاعل کلمه پرسشی

A: قصد دارید فیلم را کی ببینید؟

B: Tonight.

B: امشب.

۴ حواستان باشد که بعد از be going to هم مثل will، از شکل ساده فعل استفاده می‌شود.

چند نکته در مورد زمان آینده ساده

۱ همان‌طور که در همه مثال‌ها هم می‌بینید، در مورد شکل زمان آینده ساده، اصلاً تفاوتی ندارد فاعل جمله چه کسی است. زمان آینده ساده در هر صورت با «شکل ساده فعل + Will» درست می‌شود. البته یادتان باشد که will را می‌توان به شکل 'll خلاصه کرد.

۲ برای منفی کردن زمان آینده ساده، بعد از will از not استفاده می‌کنیم. البته می‌توانید به جای will not از شکل مخفف آن (won't) هم استفاده کنید. مثال:

Don't worry. I will not (won't) tell your secret to anyone.

نگران نباش. رازت را به هیچ‌کس نخواهم گفت.

۳ برای سؤالی کردن زمان آینده ساده، کافی است will را به قبل از فاعل جمله منتقل کنید. مثال:

Will you make dinner tonight?

فاعل

امشب شام درست می‌کنی؟

البته اگر بخواهیم زمان آینده ساده را با کلمات پرسشی (how / why / where / when / whom / who و...) سؤالی کنیم، کلمه پرسشی را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم و will را هم به قبل از فاعل منتقل می‌کنیم. مثال:

A: When will you travel to Shiraz?

فاعل کلمه پرسشی

A: چه زمانی به شیراز سفر خواهید کرد؟

B: Next summer.

B: تابستان سال بعد.

۴ فعل will جزء دسته‌ای از افعال است که به آن‌ها افعال وجهی (Modals) گفته می‌شود. افعالی مثل can، could، may، might، should، must و have to هم از همین دسته از افعال هستند. حواستان باشد که به طور کلی بعد از شکل ساده تمام افعال وجهی (مثل همین will) فعل اصلی جمله را به صورت ساده به کار می‌بریم.

زمان آینده با be going to

از be going to می‌توان برای اشاره به زمان آینده استفاده کرد. اما کاربرد آن خیلی جزئی‌تر از will است و از آن فقط در دو مورد زیر می‌توان استفاده کرد:

۱ برای اشاره به کاری که قرار است در زمان آینده (به خصوص آینده نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود. مثال:

They are going to spend their holidays in Paris.

آن‌ها قصد دارند تعطیلاتشان را در پاریس بگذرانند.

وقتی این جمله را با be going to بیان کردیم، در واقع به قصد و برنامه‌ریزی قبلی این افراد برای گذراندن تعطیلاتشان در پاریس اشاره داریم. البته حواستان باشد همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، کاربرد will برای زمان آینده کلی‌تر است و همین مثال را با will هم می‌توان گفت و فقط معنی جمله کمی تغییر می‌کند:

سیر تا پیاز گرامر انگلیسی جامع کنکور

۵ در صورتی که در ساختار **be going to** یا **was** یا **were** استفاده کنیم، مشکل خاصی پیش نمی‌آید و فقط جمله به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره خواهد داشت. مثال:
I was going to help him, but I didn't.

قصد داشتیم به او کمک کنم، اما این کار را نکردم.

۴ در این‌جا شخص از قبل برنامه‌ای ندارد تلفن را جواب دهد و وقتی که صدای زنگ آن می‌آید، به صورت آنی و بدون برنامه‌ریزی قبلی تصمیم می‌گیرد به تلفن جواب دهد. بنابراین در این جمله باید از **Will** استفاده کنیم.
I'm going to study English next year.

قصد دارم سال بعد انگلیسی بخوانم.

۴ چون قصد و برنامه‌ریزی قبلی وجود دارد، پس از **be going to** استفاده می‌شود. (البته چون کاربرد **will** کلی‌تر است، پس هیچ اشکالی ندارد در این‌جا هم از **Will** استفاده کنیم.)

۲ **پیش‌بینی آینده:** **be going to** برای پیش‌بینی در مورد آینده بر مبنای نشانه‌های موجود استفاده می‌شود، در حالی که **Will** پیش‌بینی گوینده جمله را صرفاً بر مبنای نظر شخصی‌اش نشان می‌دهد. مثال:

The year 2050 will be a very interesting year.

سال ۲۰۵۰ سال بسیار جالبی خواهد بود.

۴ چون هیچ نشانه‌ای برای این پیش‌بینی وجود ندارد و گوینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی‌اش پیش‌بینی کرده، از **Will** استفاده می‌کنیم.

He is driving very carelessly - he's going to have an accident.

او بسیار بی‌احتیاط رانندگی می‌کند، او تصادف خواهد کرد.

۴ چون نشانه‌هایی برای پیش‌بینی وجود دارد، بنابراین از **be going to** استفاده می‌شود. (البته چون کاربرد **Will** کلی‌تر است، پس هیچ اشکالی ندارد در این‌جا از **Will** استفاده کنیم.)

تفاوت will با be going to

همان‌طور که قبلاً هم گفتیم، کاربرد زمان آینده ساده (شکل ساده فعل + **will**) برای اشاره به آینده، کلی است و در خیلی موارد می‌توان به جای **be going to**، از **will** هم استفاده کرد. البته طبیعی است که وقتی در جمله به جای **be going to** از **will** استفاده می‌کنیم، معنی جمله کمی تغییر می‌کند. در هر صورت اگر بخواهیم تفاوت این دو مورد را بدانیم، باید هر دو کاربرد **be going to** را بررسی کنیم:

۱ **تصمیم و قصد و برنامه‌ریزی:** در صورتی که از قبل قصد داشته باشید کاری را در آینده انجام دهید، از **be going to** استفاده می‌شود، اما در صورتی که به صورت آنی و بدون برنامه‌ریزی قبلی، تصمیم لحظه‌ای بگیرید، باید از **will** استفاده کنید. مثال:

A: The phone is ringing.

A: تلفن زنگ می‌خورد.

B: I'll get it.

B: آن را برمی‌دارم.

NOUN

Types of Nouns | Singular and Plural

اسم

بسته ۲

نشانه‌های اسم

اسم‌های عام نمی‌توانند در جمله به تنهایی مورد استفاده قرار گیرند و یکی از موارد زیر، باید قبل از آن‌ها قرار گیرد (البته ممکن است بین این نشانه‌های اسم عام و خود اسم، یک یا چند صفت هم وجود داشته باشد):

۱ **حرف تعریف the:** حرف تعریف **the** نشان می‌دهد که اسم مورد اشاره معرفی شده است. در واقع وقتی از **the** استفاده می‌شود، اسم مورد نظر، برای گوینده و شنونده معلوم است. مثال:

Did you like the shirts I bought yesterday?

پیراهن‌هایی را که دیروز خریدم دوست داشتی؟

۴ گوینده و شنونده هر دو می‌دانند کدام پیراهن‌ها مدنظر است.

Would you pass the salt, please?

ممکن است لطفاً نمک را بدهی؟

۴ گوینده و شنونده هر دو می‌دانند کدام نمک مدنظر است.

I'll see you in front of the cinema.

شما را جلوی سینما می‌بینم.

۴ گوینده و شنونده هر دو می‌دانند کدام سینما مدنظر است.

اسم کلمه‌ای است که برای اشاره به یک شخص، شیء، حیوان، مکان، مفهوم و یا مجموعه‌ای از اشخاص، اشیا، حیوانات، مکان‌ها و مفاهیم استفاده می‌شود. اسم‌ها ۲ دسته دارند:

۱ **اسم عام (Common Noun):** اسمی است که مختص شخص، شیء، حیوان، مکان و مفهوم خاصی نیست و بین تمامی اعضای یک گروه مشترک است. مثال:

دانش‌آموز student / گربه cat / مرد man

۲ **اسم خاص (Proper Noun):** اسم خاص، تنها به یک شخص، شیء، حیوان، مکان و مفهوم اشاره دارد و شامل تمامی اعضای یک گروه نمی‌باشد. مثال:

خلیج فارس Persian Gulf / اسپانیا Spain / علی علی

آقای احمدی Mr. Ahmadi

دقت کنید که اسامی خاص همواره با حرف بزرگ شروع می‌شوند. (حتی اگر یک اسم خاص چند بخش داشته باشد، تمام بخش‌های آن را با حرف بزرگ شروع می‌کنیم.) اما اسامی عام اصولاً همیشه با حرف کوچک شروع می‌شوند.

نکته دیگر این‌که قبل از اسامی خاص از حروف تعریف (a / an / the) استفاده نمی‌شود، مگر در موارد خاص.

WONDERS OF CREATION

۲

پایه دهم

درس

دوم

صفات

Adjectives

بسته

۳

در جلد دوم می‌خوانید:
بسته ۶ تا ۱۰ واژگان



ADJECTIVES

Comparative and Superlative Adjectives | Kinds of Adjectives | Place of Adjectives

صفات

بسته

۳

become / get / turn / grow	شدن
seem / look / appear / sound	به نظر رسیدن
feel	احساسی ... را داشتن
smell	بوی ... را داشتن
taste	مزه ... را داشتن

صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و در واقع در مورد آن اطلاعات بیشتری ارائه می‌دهد. در این درس قصد داریم چند نکته مهم را در مورد صفات مورد بررسی قرار دهیم.

g جایگاه صفت در جمله

به طور کلی از صفت در ۲ جا می‌توانیم استفاده کنیم:

مثال:

It is cold today.

صفت فعل
ربطی

امروز سرد است.
صفت

The dress looks nice on you.

صفت فعل
حسی

این لباس تن شما زیبا به نظر می‌رسد.
صفت

The cake smells good.

صفت فعل
حسی

آن کیک بوی خوبی دارد.
صفت

1 پیش از اسم: برعکس زبان فارسی که در آن صفت را بعد از اسم به کار می‌بریم، در زبان انگلیسی صفت قبل از اسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال:

My father is a tall man.

اسم صفت

پدرم مرد قدبلندی است.

اسم صفت

They live in a beautiful house.

اسم صفت

آن‌ها در خانه زیبایی زندگی می‌کنند.

اسم صفت

My friend told me a funny joke.

اسم صفت

دوستم به من جوک خنده‌داری گفت.

اسم صفت

! نکته

افعالی که در بالا ذکر کردم و از آن‌ها به عنوان «افعال ربطی و حسی» نام بردم، فقط در صورتی جزء افعال ربطی و حسی هستند که دقیقاً در معنی ذکر شده به کار رفته باشند. یعنی هر کدام از این افعال در هر معنی دیگری به کار رفته باشند، دیگر جزء افعال ربطی و حسی نیستند و بعد از آنها قید حالت استفاده می‌شود. مثال:

Children grow quickly.

قید حالت

بچه‌ها به سرعت بزرگ می‌شوند.

قید حالت

۲ بعد از افعال ربطی و حسی: بعد از افعالی که در ادامه می‌گوییم از صفت استفاده می‌شود. فعلاً این افعال را به همراه معنی‌شان حفظ کنید تا به یک نکته مهم مربوط به آن‌ها برسیم:

be (am / is / are / was / were / be / being / been)	بودن
stay / remain	ماندن، باقی ماندن

صفات مقایسه‌ای

(صفات تفضیلی / صفات عالی / صفات برابری)

g

در زبان انگلیسی هم مثل زبان فارسی می‌توان از ساختارهایی برای انجام مقایسه بین دو یا چند شخص، چیز، گروه و ... استفاده کرد. برای مثال، وقتی می‌گوییم «علی از برادرش قدبلندتر است»، بین علی و برادرش مقایسه‌ای انجام شده است. یا مثلاً وقتی گفته می‌شود «قلهٔ اورست بلندترین کوه جهان است»، بین قلهٔ اورست و تمام کوه‌های روی زمین مقایسه‌ای انجام شده است. به طور کلی، صفات مقایسه‌ای ۳ نوع دارند:

- ۱ صفات تفضیلی (برتر)
- ۲ صفات عالی (برترین)
- ۳ صفات برابری (as ... as)

صفات تفضیلی (برتر)

از صفات تفضیلی برای نشان دادن برتری یک شخص، چیز، گروه و ... در مورد یک صفت خاص، از شخص، چیز، گروه و ... دیگر استفاده می‌شود. برای درست کردن صفات تفضیلی به شکل و ظاهر صفت نگاه می‌کنیم:

۱ اگر صفت کوتاه بود و فقط یک بخش داشت، به آخر آن er اضافه می‌کنیم و بعد از صفت هم than به کار می‌بریم. مثال:

My brother is taller than me.

(tall ► taller than)

برادرم از من قدبلندتر است.

Today is colder than yesterday.

(cold ► colder than)

امروز از دیروز سردتر است.

! نکته

در صورتی‌که صفت تک‌بخشی به e ختم شده باشد، به آخر صفت به جای er، فقط r اضافه می‌کنیم و بعد than را قرار می‌دهیم. مثال:

My teacher is wiser than your teacher.

(wise ► wiser than)

معلم من از معلم شما عاقل‌تر است.

! نکته

در صورتی‌که آخر صفت تک‌بخشی حرف بی‌صدا داشته باشیم، اما حرف ماقبل آن صدادار باشد، حرف بی‌صدای آخر صفت تکرار می‌شود و سپس به صفت er than را اضافه می‌کنیم. مثال:

You are fatter than me. (fat ► fatter than)

تو از من چاق‌تر هستی.

البته وقتی آخر صفت y یا w داشته باشیم و یا دو حرف صدادار پشت سر هم آمده باشند، حرف آخر تکرار نمی‌شود. مثال:

cheap ► cheaper than

slow ► slower than

۲ در صورتی‌که صفت فقط ۲ بخش داشت و آخرش هم به y ختم شده بود، برای درست کردن صفت تفضیلی، y آخر صفت به ا تبدیل می‌شود و بعد به صفت er than اضافه می‌کنیم. مثال:

🗨️ گفتیم که grow در صورتی فعل ربطی است که در معنی «شدن» به کار رفته باشد اما چون در جملهٔ قبل، grow را در معنی «بزرگ شدن، رشد کردن» داریم، فعل ربطی نیست و پس از آن از قید حالت (quickly) استفاده می‌شود، نه صفت (quick).

انواع صفات

صفات بر مبنای این‌که کدام‌یک از ویژگی‌های اسم را توصیف می‌کنند، می‌توانند انواع مختلفی داشته باشند. در ادامه انواع صفات را بررسی می‌کنیم:

۱ صفات کیفیت یا عقیده:

beautiful (زیبا)، nice (خوب؛ زیبا)، interesting (جالب)، cheap (ارزان) و ...

۲ صفات اندازه:

small (کوچک)، large (بزرگ)، medium (متوسط)، big (بزرگ) و ...

۳ صفات سن:

old (پیر)، young (جوان)، new (تازه) و ...

۴ صفات رنگ:

blue (آبی)، green (سبز)، red (قرمز)، white (سفید)، black (سیاه)، pink (صورتی) و ...

۵ صفات ملیت:

Canadian (کانادایی)، Persian (ایرانی)، German (آلمانی) و ...

۶ صفات جنس:

cotton (نخی)، wooden (چوبی)، golden (طلایی) و ...

ترتیب صفات

g

سابقاً مؤلفان کتاب‌های درسی، ترتیب صفات را به طور دقیق مشخص کرده بودند و این مبحث در کنکور نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود. در کتاب‌های درسی جدید، مؤلفان کتاب، به طور مستقیم به مبحث ترتیب صفات نپرداخته‌اند، اما با توجه به این‌که هنگام معرفی انواع صفات آن‌ها را دقیقاً با ترتیب درست ارائه کرده‌اند، می‌توان حدس زد ترتیب صفات ممکن است هم‌چنان در کنکور اهمیت داشته باشد.

به طور کلی، در زبان انگلیسی در صورتی‌که قصد داشته باشیم پیش از یک اسم، بیش از یک صفت را به کار ببریم، این صفات بر مبنای نوع و ماهیت صفت‌ها، باید با ترتیب خاصی قرار گیرند. بد نیست بدانید که صفات با همان ترتیبی مورد استفاده قرار می‌گیرند که در بالا با شماره‌های ۱ تا ۶ مشخص کردم. یعنی:

➤ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ

There was a wonderful old Italian clock on the wall.

اسم صفت صفت صفت تعریف‌کننده
ملیت سن کیفیت / عقیده

بر روی دیوار یک ساعت ایتالیایی قدیمی فوق‌العاده وجود داشت.

سیر تا پیاز گرامر انگلیسی جامع کنکور

۲ در صورتی که صفت فقط ۲ بخش داشت و آخرش هم به *y* ختم شده بود، برای درست کردن صفت عالی، *y* آخر صفت به *i* تبدیل می شود و بعد به صفت *est* اضافه می کنیم. البته حواستان باشد که *the* قبل صفت را هم فراموش نکنید. مثال:

Right now, I am the happiest person in the world.
(happy ► the happiest)

در حال حاضر من شادترین انسان جهان هستم.

۳ در صورتی که صفت چندبخشی بود یا ۲بخشی بود (ولی در آخر آن *y* نداشتیم)، برای درست کردن صفت عالی، قبل از آن *the most* قرار می دهیم. مثال:

Einstein was the most intelligent person in the world.
(intelligent ► the most intelligent)

اینشتین باهوش ترین شخص در جهان بود.

نکته !

در ساختار گفته شده، به جای صفات چندبخشی، از قیده‌های حالت هم می توان استفاده کرد. مثال:

It was the most beautifully designed chair.

قید حالت

آن صندلی دارای زیباترین طراحی بود.

صفات بی قاعده: صفات زیر بی قاعده هستند و باید شکل تفضیلی و عالی آن‌ها را حفظ کنید:

صفت	صفت تفضیلی	صفت عالی
good خوب	better بهتر	the best بهترین
bad بد	worse بدتر	the worst بدترین
far دور	farther دورتر	the farthest دورترین
many / much زیاد	more بیشتر	the most بیشترین
little کم	less کم تر	the least کم ترین

مثال:

Your average was better than mine.
(good ► better than)

معدل شما از مال من بهتر بود.

It was the worst movie of my life.
(bad ► the worst)

آن بدترین فیلم زندگی ام بود.

صفات برابری (as ... as)

از صفات برابری برای نشان دادن برابری دو شخص، چیز، گروه و ... در مورد یک صفت خاص استفاده می شود. برای درست کردن صفت برابری هم، صفت را بین *as* اول و *as* دوم قرار می دهیم. مثال:

This building is as high as that building.
(high ► as high as)

این ساختمان به بلندی آن ساختمان است.

These boxes are heavier than those boxes.

(heavy ► heavier than)

این جعبه‌ها سنگین تر از آن جعبه‌ها هستند.

۳ در صورتی که صفت چندبخشی بود یا ۲ بخش بود (ولی در آخر آن *y* نداشتیم)، برای درست کردن صفت تفضیلی، قبل از آن *more* و بعد از آن *than* را به کار می بریم. مثال:

Harry Potter is more interesting than other books.
(interesting ► more interesting than)

هری پاتر جالب تر از کتاب‌های دیگر است.

نکته !

در ساختار گفته شده، به جای صفات چندبخشی، از قیده‌های حالت هم می توان استفاده کرد. مثال:

My wife drives more carefully than I do.

قید حالت

همسر من با احتیاط تر رانندگی می کند.

صفات عالی (برترین)

از صفات عالی برای نشان دادن برتری یک شخص، چیز و ... در مورد یک صفت خاص، از تمام اعضای دیگر گروه خود استفاده می شود. برای درست کردن صفات عالی به شکل و ظاهر صفات نگاه می کنیم:

۱ اگر صفت کوتاه بود و فقط یک بخش داشت، قبل از صفت *the* به کار می بریم و به آخر صفت هم *est* را اضافه می کنیم. مثال:

Milad Tower is the highest building in Tehran.

(high ► the highest)

برج میلاد بلندترین ساختمان در تهران است.

نکته !

در صورتی که صفت تکبخشی به *e* ختم شده باشد، به آخر صفت به جای *est*، فقط *st* اضافه کنیم و *the* را هم قبل از صفت قرار می دهیم. مثال:

Azadi is the largest stadium in Iran. (large ► the largest)

آزادی بزرگترین استادیوم در ایران است.

نکته !

در صورتی که آخر صفت تکبخشی، حرف بی صدا داشته باشیم، اما حرف ماقبل آن صدادار باشد، حرف آخر صفت تکرار می شود و سپس به آن *est* اضافه می کنیم. البته فراموش نکنید که در این جا هم قبل از صفت *the* قرار می گیرد. مثال:

My car is the biggest car in the street. (big ► the biggest)

ماشین من بزرگترین ماشین در این خیابان است.

البته وقتی آخر صفت *y* یا *w* داشته باشیم و یا دو حرف صدادار پشت سر هم آمده باشند، حرف آخر تکرار نمی شود. مثال:

cheap ► the cheapest

slow ► the slowest

deep ► the deepest

! نکته

در صورتی که قبل از as از کلماتی مثل twice (دو برابر)، three times (سه برابر)، four times (چهار برابر) و ... استفاده کنیم، می خواهیم به تفاوت دقیق بین دو شخص، چیز، گروه و ... در مورد یک صفت یا قید حالت خاص اشاره کنیم. مثال:

My brother is 10. Your brother is 20. Your brother is twice as old as my brother.

(old ► twice as old as)

برادر من ۱۰ سال دارد. برادر شما ۲۰ سال دارد. برادر شما دو برابر

برادر من سن دارد.

Your dress is as beautiful as mine.

(beautiful ► as beautiful as)

لباس تو به اندازه مال من زیبا است.

! نکته

در ساختار "as ... as" به جای صفت می توان از قید حالت هم استفاده کرد. مثال:

They played as well as the other team.

(well ► as well as)

آن ها به خوبی آن یکی تیم بازی کردند.

! نکته

در صورتی که قبل از as اول از not استفاده کنیم، می خواهیم بیان کنیم دو شخص، چیز، گروه و ... در مورد صفت یا قید حالت برابر نیستند. مثال:

This question is not as hard as that one.

(hard ► not as hard as)

این سؤال به اندازه آن سؤال سخت نیست.

(یعنی آن سؤال سخت تر است.)

۳

THE VALUE OF KNOWLEDGE

پایه دهم
درس سوم

بسته ۴
زمان گذشته استمراری
Past Progressive

بسته ۵
افعال گُنشی و افعال حالت
Action and State Verbs

بسته ۶
ضمایر انعکاسی و تأکیدی
Reflexives

در جلد دوم می‌خوانید:
بسته ۱۱ تا ۱۵ واژگان

PAST PROGRESSIVE

فعل دار + ing

زمان گذشته استمراری

بسته ۴

نوشتن ایمیل در گذشته عمل طولانی‌تر است و برای آن از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود، اما خاموش شدن کامپیوتر در گذشته عمل کوتاه‌تر است و برای آن از فعل گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

! نکته

معمولاً در این‌گونه جملات، برای متصل کردن دو بخش جمله، از یکی از کلمات ربط *when*، *while* یا *as* (به معنی وقتی که، زمانی که، وقتی) استفاده می‌شود.

۲ برای اشاره به دو عملی که در گذشته به صورت هم‌زمان در حال انجام بوده‌اند، از گذشته استمراری استفاده می‌شود. در واقع در این شرایط، هر دو فعل با گذشته استمراری بیان می‌شوند. مثال:

I was studying while he was making dinner.

گذشته استمراری

گذشته استمراری

در حالی که او شام درست می‌کرد، من درس می‌خواندم.

۳ در این جمله، دو عمل به صورت هم‌زمان در گذشته استمراری داشته‌اند.

! نکته

در این جا نیز برای وصل کردن دو بخش جمله از *when*، *while* یا *as* استفاده می‌کنیم.

۳ در صورتی که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود. مثال:

Yesterday at this time, I was sitting at my desk at work.

گذشته استمراری

دیروز در این زمان، در سرکار پشت میز نشسته بودم.

۴ گوینده جمله ذکر می‌کند که در زمان مشخصی از گذشته پشت میز کارش نشسته بود، اما زمان دقیق آغاز و پایان نشستن را ذکر نکرده است. بنابراین در این جا از فعل گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.

همان‌طور که احتمالاً به خاطر دارید، در سال نهم با زمان گذشته ساده، کاربردهای آن و شیوه تبدیل فعل به گذشته ساده آشنا شدید. همان‌طور که گفته شد، اصلی‌ترین کاربرد زمان گذشته ساده برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته، انجام شده و به پایان رسیده است.

We played football last weekend.

گذشته ساده

آخر هفته قبل، فوتبال بازی کردیم.

در این درس با زمان گذشته استمراری و اصلی‌ترین کاربردهای آن آشنا می‌شویم.

g

اصولی‌ترین کاربردهای زمان گذشته استمراری

۱ در صورتی که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی، عمل دیگری انجام شود یا اتفاقی بیفتد، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشته استمراری و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر از زمان گذشته ساده استفاده می‌شود. مثال:

When I entered the living room, my brothers were watching

گذشته ساده

گذشته استمراری

a movie on television.

وقتی که وارد اتاق نشیمن شدم، برادرانم در تلویزیون فیلم تماشا می‌کردند.

۲ تماشای فیلم در گذشته عمل طولانی‌تر بوده است و برای اشاره به آن از زمان گذشته استمراری استفاده شده است. اما وارد شدن به اتاق نشیمن، عمل کوتاه‌تر است و برای آن از فعل گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

While I was writing the email, the computer suddenly

گذشته استمراری

went off.

گذشته ساده

در حالی که ایمیل می‌نوشتیم، کامپیوتر به طور ناگهانی خاموش شد.

I He She It	was	playing, going, listening, ...
We You They	were	

۲ برای منفی کردن گذشته استمراری، بعد از was یا were از not استفاده می‌کنیم. البته استفاده از شکل‌های مخفف (wasn't / weren't) نیز صحیح است. مثال:

Ali was not (wasn't) studying when his mother called.

گذشته استمراری

علی وقتی مادرش زنگ زد، درس نمی‌خواند.

۳ برای سؤالی کردن گذشته استمراری، کافی است was یا were را به قبل از فاعل جمله منتقل کنید. مثال:

Were you listening to me when I told you to turn the TV off?

فاعل
گذشته استمراری

وقتی به شما گفتم تلویزیون را خاموش کنید، به من گوش می‌دادید؟

۴ برای اشاره به شرایط و اوضاع و احوال مربوط به زمان گذشته و به عبارت دیگر برای توصیف شرایط در گذشته، از زمان گذشته استمراری استفاده می‌شود. مثال:

When she arrived home, it was raining outside, the baby

گذشته استمراری

was crying, the birds were singing in their cage, and the

گذشته استمراری

گذشته استمراری

children were playing chess.

گذشته استمراری

وقتی او وارد خانه شد، بیرون باران می‌بارید، نوزاد گریه می‌کرد، پرندگان در قفس خودشان آواز می‌خواندند و بچه‌ها شطرنج بازی می‌کردند.

۵ با توجه به این‌که هر ۴ فعل مشخص شده، برای توصیف شرایط و اوضاع و احوال در گذشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند، برای همه آن‌ها از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود.

چند نکته در مورد زمان گذشته استمراری

۱ در زمان گذشته استمراری از was یا were بر مبنای فاعل جمله استفاده می‌شود. یعنی:

ACTION AND STATE VERBS

افعال کنشی و افعال حالت

بسته ۵

smell	بوی ... داشتن
taste	مزه ... داشتن
know	دانستن
believe	باور داشتن، اعتقاد داشتن
disagree	مخالف بودن
agree	موافق بودن
remember	به یاد آوردن
understand	فهمیدن
have	داشتن
realize	تشخیص دادن، فهمیدن
seem	به نظر رسیدن
look	به نظر رسیدن
appear	به نظر رسیدن
sound	به نظر رسیدن
weigh	دارای وزن ... بودن
cost	قیمت داشتن، بها داشتن
involve	شامل ... بودن
measure	به اندازه ... بودن
mean	به معنی ... بودن
matter	اهمیت داشتن

اصولاً به صورت کلی افعال به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱ **افعال کنشی:** این‌ها افعالی هستند که انجام یک کار را نشان می‌دهند. برای مثال، وقتی گفته می‌شود: «دیروز درس می‌خواندم»، درس خواندن یک کار یا عمل را نشان می‌دهد و در واقع فعل کنشی است. مثال:

I was eating lunch at 2 o'clock.

ساعت دو ناهار می‌خوردم.

۲ **افعال حالت:** برخلاف افعال کنشی که با انجام کار و عمل سروکار دارند، افعال حالت به **تفکرات، احساسات و یا حواس پنج‌گانه** شما مربوط می‌شوند. برای مثال، وقتی گفته می‌شود: «مادرم را دوست دارم»، دوست داشتن بیانگر یک فعل و کار نیست و بیانگر احساسات شما می‌باشد. در جدول زیر می‌توانید مهم‌ترین افعال حالت (State Verbs) را یاد بگیرید:

like	دوست داشتن
love	دوست داشتن، عاشق ... بودن
hate	متنفر بودن
dislike	دوست نداشتن، بدآمدن از
need	نیاز داشتن
want	خواستن
be	بودن
wish	آرزو داشتن
think	عقیده داشتن
feel	احساسی ... کردن

| سیر تا پياز گرامر انگلیسی جامع کنکور |

نکته بسیار مهمی که در این جا مطرح است این است که اصولاً افعال حالت (یعنی افعالی که در جدول قبل ذکر شدند) حالت استمراری ندارند و باید آن‌ها را به صورت غیر استمراری استفاده کنید. مثال:

She believed that it is wrong to hurt animals.

فعل حالت فعل حالت

او اعتقاد داشت که آسیب زدن به حیوانات اشتباه است.

I have a son and two daughters.

فعل حالت

من یک پسر و دو دختر دارم.

نکته !

حواستان باشد افعال جدول قبل فقط در صورتی فعل حالت هستند و شکل استمراری ندارند که دقیقاً در معنی ذکر شده در جدول به کار رفته باشند. یعنی اگر همین افعال را در معنی دیگری به کار ببریم، کاربرد آن‌ها به صورت استمراری کاملاً صحیح است. مثال:

When he called my name I was looking at the picture.

فعل گنشی

وقتی اسمم را صدا زد، به عکس نگاه می‌کردم.

I am having lunch right now.

فعل گنشی

همین الان نهار می‌خورم.

REFLEXIVES

myself / yourself / himself / herself / itself / ourselves / yourselves / themselves

بسته

۶

ضمایر انعکاسی و تأکیدی

در این جمله، گوینده از myself استفاده می‌کند تا بر روی فاعل جمله تأکید کند. در واقع او می‌خواهد بیان کند که خود او قطعه شعری را گفته است، نه هیچ کس دیگری.

Alan himself made this dish.

ضمیر تأکیدی فاعل

آلن خودش این غذا را درست کرد.

در جدول زیر با تعدادی ضمیر آشنا می‌شوید که در دو کاربرد مختلف «ضمایر انعکاسی» و «ضمایر تأکیدی» مورد استفاده قرار می‌گیرند. ابتدا شکل ظاهری این ضمایر را به همراه معنی آن‌ها یاد بگیرید تا در ادامه کاربردهای آن‌ها را توضیح دهیم.

مفرد		جمع	
myself	خودم	ourselves	خودمان
yourself	خودت	yourselves	خودتان
himself	خودش - مذکر	themselves	خودشان
herself	خودش - مؤنث		
itself	خودش - غیر انسان		

چند نکته در مورد ضمایر انعکاسی و تأکیدی

۱ عبارت (all) by oneself به معنی «به تنهایی، بدون کمک دیگران» است. مثال:

I'm amazed you managed to move those boxes all by yourself.

تعجب می‌کنم [که] توانستید آن جعبه‌ها را بدون کمک دیگران جابه‌جا کنید.

۲ از help yourself / yourselves برای تعارف کردن غذا، نوشیدنی و ... استفاده می‌شود. مثال:

Please help yourselves to a drink.

لطفاً از خودتان با نوشیدنی پذیرایی کنید.

۳ نکته‌ای که در مورد افعال انعکاسی وجود دارد این است که اگر مفعول جمله به فاعل آن اشاره داشته باشد، اما روی مفعول کاری انجام نشده باشد، از ضمایر انعکاسی استفاده نمی‌کنیم. در این شرایط از ضمایر مفعولی استفاده می‌شود. مثال:

I can't take you with me. I need to go alone.

فاعل

ضمیر مفعولی

نمی‌توانم تو را با خودم ببرم. باید تنها بروم.

در این جمله me مفعول جمله است و اتفاقاً به فاعل (I) هم اشاره دارد اما چون که بر روی مفعول کاری انجام نشده است، از ضمیر مفعولی استفاده می‌شود، نه ضمیر انعکاسی.

۱ **ضمایر انعکاسی:** در صورتی که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص یا چیز و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمایر انعکاسی استفاده می‌شود. مثال:

Sama looked at herself in the mirror.

فاعل

ضمیر انعکاسی

سما در آینه به خودش نگاه کرد.

چون در این جمله، فاعل جمله (سما) در آینه به خودش نگاه می‌کند، فاعل و مفعول جمله به یک شخص اشاره دارند و به جای مفعول از ضمایر انعکاسی (در این مورد herself) استفاده می‌کنیم.

The girls made themselves sandwiches for lunch.

فاعل

ضمیر انعکاسی

دخترها برای خودشان برای نهار ساندویچ درست کردند.

۲ **ضمایر تأکیدی:** ضمیری که در جدول بالا ذکر شدند، می‌توانند یک کاربرد دیگر هم داشته باشند و آن ضمایر تأکیدی است. در صورتی که در جمله‌ای بخواهیم تأکید کنیم خود فاعل (و نه شخص یا اشخاص دیگری) کاری را انجام داده است، از ضمایر تأکیدی استفاده می‌شود. دقت کنید که به صورت کلی ضمایر تأکیدی را می‌توان بلافاصله بعد از فاعل جمله قرار داد و یا آن را بعد از مفعول جمله به کار برد. مثال:

I wrote this poem myself.

فاعل

ضمیر تأکیدی

این شعر را خودم نوشتم.

۴

TRAVELING
THE WORLD

پایه دهم

درس

چهارم

افعال وجهی

Modals

بسته

۷

حروف اضافه

Prepositions

بسته

۸

قیدهای حالت

Adverbs of Manner

بسته

۹

در جلد دوم می‌خوانید:
بسته ۱۱۶ تا ۲۰ واژگان

MODALS

can / may / must / should

افعال وجهی

بسته

۷

It's very beautiful in Paris. It **must** be nice to live there.پاریس خیلی زیباست. زندگی کردن در آن جا **باید** خیلی خوب باشد.

should g

از should برای بیان **اجبار ضعیف یا توصیه و نصیحت** استفاده می‌شود. در واقع وقتی از should استفاده می‌کنیم، درجهٔ اجبار از must کم‌تر است و می‌تواند حالت توصیه هم پیدا کند. مثال:It's getting late. I **should** go home now.دارد دیر می‌شود. **باید** الان به خانه بروم.You **shouldn't** tell him what happened.**نباید** به او بگویید چه اتفاقی افتاد.

may g

از may می‌توان در دو کاربرد زیر استفاده کرد:

۱ اصلی‌ترین کاربرد may برای بیان **احتمال و حدس** است. در واقع وقتی در مورد حال و آینده حدس می‌زنیم و در مورد این حدس هم خیلی مطمئن نیستیم، از may استفاده می‌کنیم. مثال:It **may** rain later today.**ممکن** است امروز بعداً باران بیارد.He's very good. I think he **may** win the match.او خیلی خوب (قوی) است. فکر کنم او **ممکن** است برندهٔ مسابقه شود.

در زبان انگلیسی، دسته‌ای از افعال وجود دارند که با استفاده از آن‌ها می‌توانیم مفاهیمی مانند توانایی، احتمال، اجبار و ... را بیان کنیم. این افعال، هم به دلیل معانی خاصی که هر کدامشان دارند و هم به دلیل ساختارهای گرامری مخصوص به خودشان، منحصر به فرد هستند. تعداد افعال وجهی در زبان انگلیسی زیاد است، اما در این درس قرار است فقط با ۴ مورد از آن‌ها آشنا شوید.

must g

از must می‌توان در دو معنی مهم استفاده کرد. البته کتاب درسی فقط به کاربرد اول اشاره کرده است، اما با توجه به سابقهٔ کتاب‌های درسی قبلی، می‌توان حدس زد که ممکن است معنی دوم هم مهم باشد. کاربردهای must عبارتند از:

۱ کاربرد اصلی و اول must برای بیان **اجبار و ضرورت** در زمان حال و آینده است. مثال:They **must** finish the project by Thursday.آن‌ها **باید** پروژه را تا پنج‌شنبه تمام کنند.I **must** stop smoking.**باید** سیگار کشیدن را ترک کنم.**۲** از must هم‌چنین می‌توان برای **نتیجه‌گیری یا حدس منطقی** نیز استفاده کرد. یعنی وقتی که بر مبنای شرایط و نشانه‌های موجود، از وجود امری تقریباً مطمئن باشیم. مثال:You **must** be worried that she's so late.**حتماً** نگران هستید که او این‌قدر دیر کرده است.

Can I speak to you for a moment?

آیا می‌توانم با شما یک لحظه صحبت کنم؟

چند نکته در مورد افعال وجهی

۱ بعد از افعال وجهی، همیشه به شکل ساده یک فعل نیاز داریم. یعنی اگر در بین گزینه‌های تست، بعد از فعل وجهی، فعل ing دار یا مصدر با to داشتید، آن گزینه حتماً غلط است. برای این‌که منظورم را بهتر متوجه شوید همین الان نگاهی به مثال‌های قبلی بیندازید تا ببینید که فعل اصلی بعد از افعال وجهی در هر صورت به شکل ساده است.

۲ افعال وجهی خودشان صرف نمی‌شوند. یعنی شما نمی‌توانید به آخر فعل وجهی ed یا ing و ... اضافه کنید. باز هم برای این‌که منظورم را بهتر متوجه شوید، مثال‌ها را دوباره بخوانید.

۳ برای سؤالی کردن جملاتی که فعل وجهی دارند، از خود فعل وجهی استفاده می‌شود و do، does یا did کاربرد ندارد. در واقع برای سؤالی کردن این نوع جملات، باید فعل وجهی را به قبل از فاعل منتقل کنید. مثال:

Can you answer the question?

آیا می‌توانید به این سؤال جواب دهید؟

۴ برای منفی کردن جملاتی که فعل وجهی دارند، به بعد از فعل وجهی not اضافه می‌شود. البته should، must و can در حالت منفی، شکل مخفف هم دارند.

should ► should not (shouldn't)

must ► must not (mustn't)

can ► can not / cannot (can't)

may ► may not

۵ در صورتی که بخواهیم must را در معنی نتیجه‌گیری یا حدس منطقی منفی کنیم، کاربرد mustn't صحیح نیست و باید از شکل منفی can، یعنی can not و cannot استفاده شود. مثال:

I saw him yesterday - he **can't** be in Europe.

او را دیروز دیدم؛ او امکان ندارد در اروپا باشد.

PREPOSITIONS

Prepositions of Time | Prepositions of Place

۱ **حروف اضافه زمان:** در جدول بعدی می‌توانید سه حرف اضافه زمان را که اتفاقاً بسیار هم کلیدی هستند، بررسی کنید.

نکته !

در این معنی، به جای may، از might هم می‌توان استفاده کرد.
مثال:

I **might** go to the movies tonight.

ممکن است امشب به سینما بروم.

۲ وقتی می‌خواهیم به کسی اجازه دهیم کاری را انجام دهد و یا برای انجام کاری، از کسی اجازه بگیریم. در این‌جا هم می‌توانیم از may استفاده کنیم. مثال:

You **may** leave the classroom now.

الان می‌توانید کلاس را ترک کنید.

May I borrow your pen?

ممکن است خودکارتان را قرض کنم؟

can g

از can می‌توان در سه کاربرد زیر استفاده کرد:

۱ اصلی‌ترین کاربرد can برای اشاره به توانایی انجام یک کار در زمان حال و آینده می‌باشد. مثال:

I **can** speak French.

می‌توانم فرانسوی صحبت کنم.

I **can't** drive.

نمی‌توانم رانندگی کنم.

۲ کاربرد دوم can برای اشاره به امکان انجام یک عمل در زمان حال و آینده است. مثال:

You **cannot** smoke in here.

شما نمی‌توانید این‌جا سیگار بکشید.

You **can** leave your car in the parking space.

می‌توانید ماشینتان را در پارکینگ بگذارید.

۳ از can نیز می‌توان مانند may برای اجازه دادن به کسی یا اجازه گرفتن از فردی استفاده کرد. مثال:

You **can** use my phone.

می‌توانید از تلفن من استفاده کنید.

حروف اضافه

بسته ۸

در این بخش از درس قصد داریم رایج‌ترین حروف اضافه زمان و مکان و کاربرد هر کدام از آن‌ها را بررسی کنیم.

on	روی چیزی (در تماس با آن)	the table / the desk, ...
	در سمت چپ یا راست	the left / the right
	در طبقه‌ای از ساختمان	the third floor / the fifth floor
	روی دیوار / سقف	the wall / the ceiling
	در وسایل نقلیه بزرگ	the plane / the train / the boat / the ship
	در صفحه‌ای از کتاب	page 13 / page 10, ...
	در رادیو و تلویزیون	the radio / the television

at	در محلی با کاربرد خاص (خانه، سینما، دانشگاه و ...)	home / the university / the hospital, ...
	پشت میز	the table / the desk
	در یک موقعیت دقیق	the bus stop / the door / the window, ...
	در بالا یا پایین	the top / the bottom
	در مهمانی، کنسرت و ...	the party / the concert, ...

in front of	جلوی، مقابل	the house / the building, ...
next to / beside / by	کنار، در مجاورت	the car / the house, ...
behind	پشت	the building / the door, ...
under	زیر (بدون تماس فیزیکی)	the table
over	بالای (بدون تماس فیزیکی)	the building / the car

My friend lives **on** the 17th floor of a building **in** Tehran.
He works **at** the university.

دوستم در طبقه هفدهم ساختمانی در تهران زندگی می‌کند. او در
دانشگاه کار می‌کند.

in	۳ بخش اصلی روز	the morning / the afternoon / the evening
	ماه‌های سال	Mehr / March / December, ...
	فصل‌های سال	spring / summer / autumn (fall) / winter
	سال‌ها	1365 / 2017 / 1998, ...
	دهه‌ها	the 1990s / the 1870s, ...
	قرن‌ها	the 17th century, ...
	گذشته و آینده	the past / the future
	ایام خاص	Norouz, ...

on	روزهای هفته	Friday / Saturday, ...
	بخش‌های روز به همراه اسم آن روز	Thursday morning / Friday night / Sunday evening, ...
	تاریخ کامل	January 29 / March 5th, ...

at	ساعت‌ها	5 o'clock / 10 p.m. , ...
	طلوع آفتاب ، غروب آفتاب	sunrise / sunset
	ظهر / شب	noon / midday / night / midnight
	کریسمس	Christmas
	زمان صرف غذا	lunch / dinnertime, ...

They are leaving at four o'clock **in** the afternoon **on** Friday.

آن‌ها ساعت چهار بعد از ظهر روز جمعه حرکت می‌کنند.

۲ حروف اضافه مکان: اصلی‌ترین حروف اضافه مکان عبارتند از:

in	شهرها	Tehran / London, ...
	کشورها	Canada / Italy / Iran, ...
	قاره‌ها	Europe / Asia, ...
	جهان	the world
	آسمان	the sky
	داخل مکانی خاص	the room / the car, ...

ADVERBS OF MANNER

ly + صفت

البته کلمات زیر هم کلمات صحیحی به حساب می‌آیند و اتفاقاً بسیار هم پرکاربرد هستند، اما برخلاف ظاهرشان، قید حالت نیستند و دقیقاً در معنی ذکرشده به کار می‌روند. مثال:

lately اخیراً، به تازگی
highly به شدت، خیلی
hardly به سختی؛ به ندرت
deeply عمیقاً؛ به شدت

I studied **hard** all day.

تمام روز سخت درس خواندم.

I could **hardly** hear her voice.

به سختی می‌توانستم صدایش را بشنوم.

صفات غلط‌انداز: در زبان انگلیسی یک تعداد صفت داریم که ظاهرشان شبیه قید است، اما در واقع صفت هستند. اصلی‌ترین صفات غلط‌انداز عبارتند از:

friendly صمیمی، دوستانه
lonely تنها
ugly زشت
silly احمق؛ احمقانه

چون این صفات خودشان ly دارند، پس طبیعتاً با اضافه کردن ly به آخر آن‌ها، نمی‌توان قید درست کرد. برای درست کردن قید حالت در این موارد از عبارت in a / an ... manner استفاده کنید. مثال:

He talked in a very friendly manner.

او به صورتی خیلی صمیمی صحبت می‌کرد.

اگر در تست کنکور شک داشتید که باید از صفت استفاده کنید یا قید حالت، به جایگاه کلمه دقت کنید. اگر کلمه در جایگاهی آمده بود که صفت استفاده می‌کنیم که شرایط مشخص است و گزینه‌ای را انتخاب می‌کنیم که در آن صفت به کار رفته. در غیر این صورت و در شرایطی که کلمه در جایگاه صفت به کار نرفته بود و در واقع حالت و چگونگی انجام فعل را نشان می‌داد، از قید حالت استفاده می‌کنیم. گفتیم که صفت در انگلیسی در دو جا استفاده می‌شود:

۱ قبل از اسم: مثال:

He has a beautiful car.

اسم صفت

او ماشین زیبایی دارد.

۲ بعد از افعال ربطی و حسی: مثال:

He seems very calm all the time.

صفت فعل ربطی

او همیشه خیلی آرام به نظر می‌رسد.

همان‌طور که در درس دوم هم گفته شد، از صفت برای توصیف اسم و ارائه اطلاعات بیشتر در مورد آن استفاده می‌شود. اما در صورتی که بخواهید در مورد فعل جمله اطلاعات بیشتری ارائه کنید و مثلاً بگویید فعل به چه صورتی انجام شده است، یا در چه زمان و مکانی انجام شده است، باید از قیدها استفاده کنید. در این درس با قیدهای حالت آشنا می‌شویم، یعنی قیدهایی که حالت و شیوه انجام فعل را نشان می‌دهند. مثال‌ها را بخوانید تا بعداً در مورد قیدهای حالت بیشتر توضیح دهیم (فقط بد نیست دقت کنید که قیدهای حالت در مثال‌های زیر، در آخرشان ly دارند!):

She speaks very **quietly**.

او خیلی آرام حرف می‌زند.

They planned their trip to Shiraz very **carefully**.

آن‌ها سفرشان به شیراز را خیلی با دقت برنامه‌ریزی کردند.

g نحوه درست کردن قید حالت

۱ در اکثر موارد، درست کردن قید حالت بسیار راحت است. کافی است به آخر صفت، ly اضافه کنید تا قید حالت درست شود. مثال:

quiet ► quietly loud ► loudly
slow ► slowly quick ► quickly

۲ در صورتی که آخر صفت y داشته باشیم، قبل از اضافه کردن ly به آخر آن، y را به a تبدیل می‌کنیم. مثال:

easy ► easily happy ► happily
funny ► funnily heavy ► heavily

۳ در صورتی که آخر صفت ble داشته باشیم، برای درست کردن قید حالت، ble را به bly تبدیل می‌کنیم. مثال:

possible ► possibly probable ► probably
terrible ► terribly reasonable ► reasonably

۴ در موارد زیر، قیدهای حالت بی‌قاعده هستند و باید آن‌ها را به خاطر بسپارید.

good ► well به خوبی late ► late با تأخیر
fast ► fast به سرعت hard ► hard سخت؛ به شدت
deep ► deep عمیق long ► long مدت زیادی
high ► high در ارتفاع low ► low در ارتفاع کم
near ► near در نزدیکی early ► early زود
straight ► straight مستقیم، یکراست

UNDERSTANDING PEOPLE

پایه یازدهم

درس

اول

اسم‌های قابل شمارش و اسم‌های غیرقابل شمارش

Countable and Uncountable Nouns

بسته

۱۰

کلمات شمارشی و اعداد

Measure Words and Numbers

بسته

۱۱

جملات ساده

Simple Sentences

بسته

۱۲

در جلد دوم می‌خوانید:
بسته ۲۱ تا ۲۵ واژگان

COUNTABLE AND UNCOUNTABLE NOUNS

اسم‌های قابل شمارش و اسم‌های غیرقابل شمارش

بسته

۱۰

man مرد / one man یک مرد / some men تعدادی مرد /

twenty-five men بیست و پنج مرد / ...

city شهر / a city یک شهر / some cities تعدادی شهر /

lots of cities شهرهای زیادی / ...

elephant فیل / an elephant یک فیل /

many elephants فیل‌های زیادی / three elephants سه تا فیل / ...

mistake اشتباه / a mistake یک اشتباه / several mistakes

... / تعداد زیادی اشتباه / many mistakes چند اشتباه

۲ اسم‌های غیرقابل شمارش: در تمامی زبان‌های دنیا، تعداد

بسیار زیادی اسم داریم که آن‌ها را به صورت گروهی در نظر می‌گیریم

و نمی‌توانیم تک تک بشماریم. مثلاً sugar (شکر) را در نظر بگیرید. در

هیچ زبانی گفته نمی‌شود: «یک شکر»، «دو شکر»، «صد شکر» و ...! بلکه

این نوع از اسم‌ها را با استفاده از واحدهای مخصوص به خودشان (مثل

کیسه، لیوان، فنجان، تکه و ...) یا صفت‌های شمارشی که در ادامه با آن‌ها

آشنا خواهید شد، مورد اشاره قرار می‌دهیم. فقط حواستان باشد که چون

این اسم‌ها غیرقابل شمارش هستند، پس طبیعتاً نمی‌توانیم قبل از آن‌ها

از a/an (یک) استفاده کنیم، قبلشان اعداد (one, two, three و ...) را

به کار ببریم یا آن‌ها را با s جمع ببندیم. مثال:

water آب / a glass of water یک لیوان آب /

some water مقداری آب / little water مقدار اندکی آب / ...

! نکته

اگر می‌بینید در عبارت a glass of water، قبل از اسم غیرقابل

شمارش water، a به کار رفته، دلیلش قابل شمارش بودن

نیست! آب که کاملاً مشخص می‌باشد که غیرقابل شمارش است. آن

اسمی که در این جا قابل شمارش است، glass (لیوان؛ استکان) است.

اگر یادتان باشد، در درس اول انگلیسی دهم گفته شد، اسم کلمه‌ای است

که برای اشاره به یک شخص، شیء، حیوان، مکان، مفهوم و یا مجموعه‌ای

از اشخاص، اشیاء، حیوانات، مکان‌ها و مفاهیم استفاده می‌شود. اگر

خاطرتان باشد، گفتیم که اسم‌ها دو نوع کلی دارند: اسم‌های خاص و

اسم‌های عام.

البته ظاهراً کارمان با اسم‌های خاص تمام شده. فقط جهت یادآوری

می‌گوییم که اسم‌های خاص، تنها به یک شخص، شیء، حیوان، مکان و

مفهوم به‌خصوص اشاره دارند و همواره با حرف بزرگ شروع می‌شوند.

(مثلاً Ali، Persian Gulf، Canada و ...)

اما می‌رسیم به موضوع بسیار پر نکته اسم‌های عام. همان‌طور که

گفته شد، اسم عام، اسمی است که مختص شخص، شیء، حیوان،

مکان و مفهوم خاصی نیست و بین تمامی اعضای یک گروه مشترک

است. مثلاً student (دانش‌آموز)، car (اتومبیل)، water (آب) و ...

اسم عام هستند و به شخص، شیء، حیوان، مکان و مفهوم به خصوصی

اشاره ندارند.

اسم‌های عام خودشان دو نوع دارند:

۱ اسم‌های قابل شمارش: همان‌طور که از عنوان این نوع اسم‌ها

هم مشخص است، آن‌ها را می‌توانیم بشماریم. مثلاً وقتی می‌گوییم

«دانش‌آموز»، می‌توانیم آن را بشماریم و بگوییم: «یک دانش‌آموز»، «دو

دانش‌آموز»، «تعدادی دانش‌آموز»، «صدها دانش‌آموز» و ...

چون این نوع از اسم‌ها قابل شمارش هستند، پس می‌توانیم آن‌ها را

به صورت جمع به کار ببریم، می‌توانیم قبل از شکل مفرد آن‌ها a/an

استفاده کنیم و یا با استفاده از اعداد و صفت‌های شمارشی، تعداد دقیق

یا تقریبی آن‌ها را مشخص کنیم. مثال:

tree درخت / a tree یک درخت / five trees پنج درخت /

a few trees چند تا درخت / ...

نکته !

بعضی از اسم‌ها هستند که در زبان فارسی قابل شمارش در نظر گرفته می‌شوند و می‌توانیم آن‌ها را به وسیلهٔ اعداد و ... بشماریم، اما همین اسامی در زبان انگلیسی غیرقابل شمارش هستند. منظورم این است که در مبحث اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش، اصلاً فارسی فکر نکنید و هر زبان را با ساختار خودش بررسی کنید. اصلی‌ترین اسامی قابل شمارش فارسی که در انگلیسی غیرقابل شمارش هستند، عبارتند از:

soap صابون / bread نان / paper کاغذ /
advice / ... خبر news / توصیه، نصیحت

اسم‌های دو پهلو (هم قابل شمارش و هم غیرقابل شمارش)

g

در زبان انگلیسی، تعدادی اسم داریم که در یک معنی خودشان قابل شمارش هستند، اما در معنی دیگرشان غیرقابل شمارش به حساب می‌آیند. راستش را بخواهید فهرست این اسم‌ها طولانی است و قرار نیست شما با همهٔ آن‌ها آشنا شوید. اما در این جا با اصلی‌ترین این اسم‌ها که ممکن است به کارتان بیایند آشنا می‌شویم:

rice برنج ▶ three kilos of rice سه کیلو برنج / a bag of rice یک کیسه برنج / ... مقداری برنج some rice

bread نان ▶ a piece / slice of bread یک تکه نان / a loaf of bread مقدار اندکی نان / ... یک قرص نان

wood چوب / a piece of wood یک تکه چوب / seven pieces of wood هفت تکه چوب

به طور کلی مهم‌ترین انواع اسم‌های غیرقابل شمارش عبارتند از:

1 مایعات، گازها و بعضی از جامدات (air, smoke, blood, milk, water, ice, tea, coffee و ...)

2 مواد تشکیل‌شده از ذرات و دانه‌های بسیار کوچک که آن‌ها را به صورت گروهی در نظر می‌گیریم (salt, rice, sugar و ...)

3 مفاهیم انتزاعی و غیرقابل لمس (information, love, happiness, software و ...)

4 بعضی از مواد غذایی (soup, butter, meat, bread و ...)

5 برخی مواد و اشیای خاص (soap, iron, paper, wood و ...)

اسامی دو پهلو (غیرقابل شمارش و در مواردی قابل شمارش)	معنی غیرقابل شمارش	معنی قابل شمارش
coffee	مفهوم عام این نوشیدنی	یک یا چند فنجان / لیوان قهوه
tea	مفهوم عام این نوشیدنی	یک یا چند فنجان / لیوان چای
juice	مفهوم عام این نوشیدنی	یک یا چند فنجان / لیوان آب میوه
food	مفهوم عام غذا	نوع خاصی از غذا
fruit	مفهوم عام میوه	نوع خاصی از میوه
sugar	مفهوم عام شکر	۱- به اندازهٔ قاشق شکر ۲- انواع مختلف قند (گلوکز، لاکتوز و ...)
chicken	در معنی «گوشت مرغ»	در معنی «مرغ»
hair	مو به صورت کلی	یک یا چند تار مو
paper	در معنی «کاغذ»	۱- در معنی «روزنامه» ۲- در معنی «اوراق، اسناد؛ مدرک؛ مقاله»
glass	در معنی «شیشه»	در معنی «لیوان؛ استکان»
light	در معنی «نور، روشنایی»	در معنی «چراغ»
room	در معنی «فضا، جا»	در معنی «اتاق»
time	مفهوم زمان، وقت	در معنی «دفعه، مرتبه، بار؛ موقعیت»
height	در معنی «ارتفاع، بلندی»	در معنی «محل مرتفع»
work	در معنی «کار»	در معنی «اثر؛ تألیف؛ نوشته»
practice	۱- در معنی «تمرین» ۲- در معنی «عمل»	در معنی «رسم؛ عادت، روال معمول، رویه»
painting	در معنی «عمل نقاشی کردن»	در معنی «تابلو»
weather	آب‌وهوا به صورت کلی	در عبارت "in all weathers" (در هر هوایی، هوا هرطور که باشد)

Is there any **room** for me in the pickup truck?

مثال:

در وانت برای من جا هست؟

If I drink too much **coffee**, I can't sleep.

اگر خیلی زیاد قهوه بنوشم، نمی‌توانم بخوابم.

چون در این جا **room** در معنی «فضا، جا» به کار رفته، غیرقابل شمارش است و S جمع نمی‌گیرد.

چون **coffee** در این جا در مفهوم عام قهوه به کار رفته، غیرقابل شمارش است و S جمع نمی‌گیرد.

Our house has four **rooms**: the kitchen, bedroom, bathroom and living room.

Could you bring us two **coffees**, please?

ممکن است لطفاً برای ما دو تا قهوه بیاورید؟

خانه ما چهار اتاق دارد: آشپزخانه، اتاق خواب، حمام و اتاق نشیمن.

چون در این جا **room** به اتاق‌های خانه اشاره دارد، پس قابل شمارش است و طبیعتاً می‌تواند S جمع هم بگیرد.

چون در این جا **coffee** به قول دوستان ادبیاتی، مجاز از «فنجان قهوه» است، قابل شمارش است و می‌توانیم آن را جمع بندیم.

MEASURE WORDS AND NUMBERS

کلمات شمارشی و اعداد

بسته

11

اما در زبان انگلیسی، عددها هم برای خودشان داستان‌هایی دارند و شما باید با آنها آشنا شوید! در ادامه، نکته‌های مربوط به اعداد را بررسی می‌کنیم:

اعداد یک تا نوزده، شکل ثابتی دارند و شما فقط باید نگارش صحیح آنها را یاد بگیرید:

one یک / two دو / three سه / four چهار / five پنج / six شش / seven هفت / eight هشت / nine نه / ten ده / eleven یازده / twelve دوازده / thirteen سیزده / fourteen چهارده / fifteen پانزده / sixteen شانزده / seventeen هفده / eighteen هجده / nineteen نوزده

بیست تا نود را ابتدا به صورت دهگان بررسی می‌کنیم:

twenty بیست / thirty سی / forty چهل / fifty پنجاه / sixty شصت / seventy هفتاد / eighty هشتاد / ninety نود

حالا نوبت اعداد دویشتی (مركب) بین بیست و یک تا نود و نه است:

twenty-one بیست و یک	twenty-two بیست و دو	...	twenty-nine بیست و نه
thirty-one سی و یک	thirty-two سی و دو	...	thirty-nine سی و نه
forty-one چهل و یک	forty-two چهل و دو	...	forty-nine چهل و نه
fifty-one پنجاه و یک	fifty-two پنجاه و دو	...	fifty-nine پنجاه و نه
sixty-one شصت و یک	sixty-two شصت و دو	...	sixty-nine شصت و نه
seventy-one هفتاد و یک	seventy-two هفتاد و دو	...	seventy-nine هفتاد و نه
eighty-one هشتاد و یک	eighty-two هشتاد و دو	...	eighty-nine هشتاد و نه
ninety-one نود و یک	ninety-two نود و دو	...	ninety-nine نود و نه

one hundred صد / two hundred دویست / ... / nine hundred نهصد

چند مثال از اعداد مرکب صد و یک تا نهصد و نود و نه:

one hundred (and) one صد و یک / two hundred (and) seventy-six دویست و هفتاد و شش / nine hundred (and) ninety-nine نهصد و نود و نه

گفتیم که اسم‌های عام به دو نوع قابل شمارش و غیرقابل شمارش تقسیم می‌شوند. همان‌طور که از عنوان اسم‌های قابل شمارش هم مشخص است، آنها ذاتاً قابل شمارش هستند و به راحتی می‌توانیم تعداد دقیق یا تقریبی آنها را مشخص کنیم. اما داستان اسم‌های غیرقابل شمارش کاملاً متفاوت است؛ این نوع اسم‌ها اساساً قابل شمارش نیستند، پس اگر بخواهیم این اسم‌ها را بشماریم، باید از طرف‌ها و واحدهای مخصوص خودشان (مثل یک کیسه، دو تکه، مقداری، اندکی و ...) استفاده کنیم. در ادامه اصلی‌ترین روش‌های شمردن اسم‌ها را بر مبنای قابل شمارش یا غیرقابل شمارش بودن اسم‌ها بررسی می‌کنیم:

g اعداد (مخصوص اسم‌های قابل شمارش)

وقتی بخواهیم تعداد دقیق یک اسم قابل شمارش را مشخص کنیم، چه کار می‌کنیم؟ حُب معلوم است: بیش از اسم یک عدد قرار می‌دهیم. مثال: هفت تا درخت / seven trees / یک درخت / one tree / درخت tree / ... / هفتاد و پنج تا درخت / seventy-five trees

! نکته

در بین دو بخش اعداد مرکب بیست و یک تا نود و نه، حتماً باید یک خط تیره کوچک قرار دهیم. اگر همین خط تیره کوچک را فراموش کنید، نگارش عدد غلط می‌شود!

صد در زبان انگلیسی می‌شود hundred. پس برای اعداد صد تا نهصد داریم:

نکته !

and را در داخل پرانتز قرار داده‌ام؛ یعنی کاربرد آن در حد کتاب درسی اختیاری است و به سلیقه خودتان بستگی دارد.

thousand (هزار)، million (میلیون) و billion (میلیارد) هم مثل hundred (صد) هستند. مثال:

ten thousand, two hundred (and) sixty-nine

ده هزار و دویست و شصت و نه

two million, seventy-five thousand, nine hundred (and) eighty-five

دو میلیون و هفتاد و پنج هزار و نهصد و هشتاد و پنج

نکته !

hundred (صد)، thousand (هزار)، million (میلیون) و billion (میلیارد)، به شکل مفرد می‌آیند و S جمع نمی‌گیرند، مگر این‌که بخواهیم کلی‌گویی کنیم. مثال:

thousands of animals هزاران حیوان

hundreds of students صدها دانش‌آموز

billions of insects میلیاردها حشره

millions of people میلیون‌ها نفر

g

واحد‌های شمارش (مخصوص اسم‌های غیرقابل شمارش)

چون اسم‌های غیرقابل شمارش، قابل شمردن نیستند، پس برای شمردن آن‌ها باید از واحدهایی استفاده کنیم که قابل شمارش هستند. مثلاً «برنج» را در نظر بگیرید. در زبان انگلیسی، «برنج» غیرقابل شمارش است و اگر بخواهیم آن را بشماریم باید از واحدهایی مثل «کیسه»، «کیلو» و ... استفاده کنیم (یک کیسه برنج، دو کیلو برنج، سه کیسه برنج و ...). در واقع در این‌جا، یک اسم غیرقابل شمارش (برنج) را با استفاده از یک اسم قابل شمارش (کیسه یا کیلو) مورد شمارش قرار می‌دهیم. اصلی‌ترین واحدهای شمارش برای اسم‌های غیرقابل شمارش عبارتند از:

1 a piece of (two pieces of, some pieces of, ...)

تکه؛ فقره

cake کیک / bread نان / paper کاغذ / information اطلاعات / advice توصیه / news خبر / furniture اثاثیه / software نرم‌افزار

2 a bit of (bits of, ...)

ذره؛ فقره

help کمک / glass شیشه / weight وزن / news خبر / bread نان / information اطلاعات / advice توصیه / luck شانس

3 a slice of (two slices of, three slices of, ...)

تکه؛ برش

cake کیک / bread نان / banana موز / cheese پنیر / pizza پیتزا

4 a loaf of (three loaves of, some loaves of, ...)

قرص نان

bread نان

5 a sheet of (two sheets of, three sheets of, ...)

ورق

paper کاغذ / iron آهن / glass شیشه / ...

6 a bag of (two bags of, many bags of, ...)

کیسه

rice برنج / sugar شکر / salt نمک / ...

7 a bar of (two bars of, eight bars of, ...)

قالب

soap صابون / chocolate شکلات / ...

8 a jar of (two jars of, three jars of, ...)

شیشه

jam مربا / coffee قهوه / ...

9 a kilo of (three kilos of, fifty kilos of, ...)

کیلو

rice برنج / sugar شکر / salt نمک / meat گوشت / ...

10 a bowl of (two bowls of, some bowls of, ...)

کاسه

soup سوپ / salad سالاد / cereal فلکس / ...

11 a drop of (two drops of, some drops of, ...)

قطره

water آب / blood خون / rain باران / ink جوهر / ...

12 a glass of (three glasses of, a few glasses of, ...)

لیوان؛ استکان

water آب / milk شیر / juice آبمیوه / ...

13 a bottle of (two bottles of, ...)

بطری

water آب / milk شیر / ...

14 a cup of (two cups of, ...)

فنجان

coffee قهوه / tea چای

15 a carton of (two cartons of, ...)

کارتن؛ پاکت

milk شیر / orange juice آب پرتقال / fruit juice آبمیوه

16 a liter of (two liters of, some liters of, ...)

لیتر

milk شیر / water آب / orange juice آب پرتقال / gasoline بنزین / ...